

## نسخه ای نادر از

## الحقائق البديعية في الانواع الادبية

سیدحسین فاطمی

بديع از جمله علمی است که در چند قرن اخیر به فراموشی گراییده و تنها در مراکز آموزشی به تدریس بخشی از این علم اکتفا می شود و شاعران و نویسندگان نیز در عمل تنها معدودی از صنایع بديع را به کار می برند. حال آن که در آثار گذشتگان انواع صناعات بديعی به کار می رفته و عنایتی ویژه به بهره گیری از آنها بوده است.

در قرن های اخیر رفته رفته چنین فکری رواج یافت که به کار بستن بسیاری از صناعت های علم بديع لغو است و گاه سبب مشکل بودن درک عبارت می گردد. اما باید توجه داشت که این صناعت ها در کجا به کار می روند؛ برای مثال اگر متنی درسی یا تحقیقی علمی بی الف یا بی نقطه نگاشته شود، نه تنها نویسنده، عمر خود را ضایع ساخته، که با اهداف آموزشی و تحقیقاتی نیز مغایرت دارد؛ زیرا علاوه بر دشواری فهم معنی، مزیتی بر متن های معمولی نیز نخواهد داشت.

با توجه به جاذبه این گونه متن ها، کاربرد این فنون در تدوین آثاری در مدح معصومین (ع) و یا تشویق برای حضور در عرصه های گوناگون حیات و مبارزه، از مصادیق لغو نخواهند بود.

مقامات حریری نمونه ای است که جاذبه فنون علم بديع را نشان می دهد. چرا که مقامات حریری از متون کهنی است که با استفاده از انواع بديعی تدوین یافته و شاید بتوان کتابخانه بزرگی را در جهان یافت که یک یا چند نسخه خطی مقامات حریری در آن وجود نداشته باشد.

روشن ترین دلیل بر لغو نبودن صنایع بديعی، کاربرد این صناعت ها در قرآن کریم و استفاده حضرت امیرالمؤمنین (ع) از این فنون است. نهج البلاغه که همواره سرمشق سخنوران بوده و شیوه رسایی و گیرایی سخن را به آنان آموخته است، سرشار از این آرایه های لفظی و معنوی است.

از جمله آثار برجسته ای که در زمینه علم بديع نگاشته شده و

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ت احسن ما یبشده به معانی المعانی حد من خص بديع النبیان  
التوع الانسانی واولی ما یقرن به محاول تبیین الامجاز القرآنی شکو  
من مع البلقاء بان البیان لا یفیط نور الکلام القرآنی سبحانه من  
له شهد وجود کل موجود بانّه واحد بلا تانی و لیسر له عن مراده مراد  
لا تانی والصلوة والسلام علی اکرام الرسل واسعدهم وانسهم واحمدهم  
قد المرسل لامة سددها واصول مهتدا واحکام اکتها وعلی الیوم الحاکم  
بالبیضاء و احزابه الذین هم مشکو انوار و کونوا انوار عدد امطار السماء  
بمدد کلام العلماء اما بعد فبقول المفتقر الی مر به الملتان یوسف المشهور  
بالبديعی بین الاخوان قد امر فی بعض العلویین من اشراف الخلیفین لما  
لی البديعی علی بلع من الحسن الغایات ومن خصایصه انه یتوصل به  
بکلمة امجاز الایات ان اجمع فیه کتابا یكون بمنزلة نبوءه مشتملا علی  
اصوله و فروعها فامتثلت امر الله فید وابتعت ربه الشید و جعلت  
کتابا باشی لا یضرب البیان حا واما عترق من انواع التیان و جعلت  
الحق البديعی فی الامور الذی یستعمل من امله مناظر الاصل

۲

یوسف بدیعی دمشقی، در نظم و نثر، دستی توانا داشت به گونه‌ای که بعضی اهل ادب، وی را با بدیع الزمان همدانی برابر و گروهی او را مقدم داشته‌اند. محمد امین محبی (وفات: ۱۱۱۱ ق) در تجلیل از او می‌گوید: «اگر بدیع الزمان او را درک می‌کرد، با شنیدن نظم و نثر یوسف بدیعی، نگارش را ترک می‌گفت.»

بدیعی در دمشق به دنیا آمد، ولی در کودکی از دمشق خارج شد و در حلب سکنا گزید و آنجا شهرت یافت و به سال ۱۰۷۳ ق. در ترکیه درگذشت.

محمد امین محبی در *نفسحة الريحانة* نمونه‌هایی از سروده‌های او را ذکر کرده است.

آثار دیگر نویسنده - که بعضی به چاپ رسیده - عبارت است از:

*الصبح المنبئ فی حیثیة المتنبئ*، *هبة الانام* (یا هبة الایام) فیما یتعلق بابی تمام، *اوج الصحری فی حیثیة ابی العلاء المعری*، *ذکری حبیب*، *هدایا الکرام فی تنزیه آباء النبی علیه السلام*.

در میان آثار او، نام «*حدائق الادب*» و «*الحدائق فی الادب*» نیز به چشم می‌خورد که ممکن است مراد همین کتاب مورد معرفی باشد.

۳

«*الحدائق البدیعیة*» از ۵۶ حدیقه سامان یافته و در هر حدیقه یک یا چند صنعت از صنایع علم بدیع توضیح داده شده و برای هر کدام چندین مثال ذکر گردیده است. در واقع «*الحدائق البدیعیة*» فرهنگ اصطلاحات علم بدیع به شمار می‌رود و تفاوت آن با فرهنگ‌های دیگر، مثال‌های فراوان آن است که بر معلومات گسترده مؤلف دلالت دارد. نویسنده در بسیاری موارد تنها به بخش کوتاهی از متن ادبی بسنده نکرده و تمام آن را آورده است؛ برای مثال، در حدیقه ۲۷ پس از توضیح صنعت حذف (به کار نبردن یک یا چند حرف در عبارت)، یازده متن معرفی شده که صنعت حذف در آنها به کار رفته است و برخی از آنها کامل است. با توجه به فراوانی این نمونه‌ها، این کتاب می‌تواند منبع ادبی قابل توجهی در این زمینه به حساب آید. چه بسا در این اثر، قطعه‌های ادبی درخور توجهی بتوان دید که در جاهای دیگر یافت نشود و گاه از ادیبان و آثار برجسته‌ای نام برده شده که در تراجم و فهرست‌ها نامی از آنها به میان نیامده است.

هنوز به چاپ نرسیده، «*الحدائق البدیعیة فی الانواع الادبیة*» است و با کثرت معلوماتی که در این کتاب عرضه شده، هنوز در فهرست‌ها معرفی نشده است و تنها ضمن شرح حال مختصر با تجلیل‌های قابل توجهی که از نویسنده ثبت شده، نامی نیز از این کتاب برده شده است.

نگارنده جهت دست‌یابی به این کتاب، فهرست نسخه‌های خطی بسیاری از کتابخانه‌ها را بررسی کرده اما چنین کتابی یافت نشد و گویا تنها نسخه‌ای خطی از این کتاب در کتابخانه آیت‌الله العظمی گلپایگانی به ثبت رسیده است.

نگارنده پس از مطالعه «*الحدائق البدیعیة*»، آن را بسیار قابل توجه و بایسته معرفی یافت. با این امید که توسط اهل فن، خصوصاً آنان که با واژه‌های نامأنوس عربی انس دارند، تصحیح شود و به چاپ رسد. اگرچه این نسخه تنها جلد اول است اما چنانچه ضمن معرفی آن روشن خواهد شد، این جلد ارتباطی با جلد یا جلد‌های دیگر ندارد و به تنهایی می‌تواند کتابی سودمند و درخور اعتنا باشد.

۱

مشخصات نسخه:

نام کتاب: *الحدائق البدیعیة فی الانواع الادبیة*

نویسنده: یوسف بدیعی دمشقی (م ۱۰۷۳ ق.)

زبان: عربی

صفحات: ۲۶۱ برگ، ۵۲۲ صفحه.

تاریخ تحریر: ۱۲ جمادی الاول سال ۱۲۱۰ ق.

اندازه: ۱۶×۲۲ سانتیمتر

شماره کتاب: ۳۳/۶۳

خط: زیبا و خوانا. اگرچه بسیاری از صفحات رانم فراگرفته، ولی عبارات همچنان خواناست.

آغاز:

بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين .  
ان احسن مايتدى به معانى المعانى حمد  
من خص بديع التبيان بالنوع الانساني ...  
اما بعد فيقول المفتقر الى ربه المنان  
يوسف المشتهر بالبديعي بين الاخوان .

انجام:

يا صفوة الدنيا على اكدارها

يا واحد الدنيا على الاطلاق

نجز الجزو الاول من كتاب الحدائق  
البديعية في الانواع الادبية على التمام  
والكمال بشاني عشر جمادى الاول من  
السنة العاشرة بعد المأتين والالف  
وصلّى الله على محمد وآله الطاهرين  
وسلم تسليمًا كثيرًا.

۱. محمد امین محبی، *نفسحة الريحانة*، جساب اول، ۱۳۸۷ ق.، ج ۱، ص ۲۰۴-۲۱۴.

۲. ر.ک: خلاصة الاثر، ج ۴، ص ۵۱۰؛ *ريحانة الادب*، ج ۱، ص ۲۴۴؛ *معجم المطبوعات العربية والمعربة*، ج ۱، ستون ۵۴۴؛ *الاعلام*، ج ۹، ص ۲۹۳؛ *اعلام النبلاء*، ج ۶، ص ۳۳۵؛ *معجم المؤلفين*، ج ۱۳، ص ۲۸۰؛ لغت‌نامه دهخدا ذیل واژه «یوسف».

ویژگی برجسته دیگر این اثر، نمونه های فراوان از قرآن کریم است که خواننده به کمک آن می تواند با انواع بدیعی به کار رفته در قرآن آشنا گردد.

۴

در این اثر اصطلاحاتی ادبی توضیح داده شده که به مرور به فراموشی گراییده است و حتی در فرهنگ هایی که اصطلاحات ادبی در آنها گرد آمده، به چشم نمی خورد. در این جا به چند نمونه اشاره می شود:

الف. حاوی: متنی است که تمام حروف الفبا در آن به کار رفته است؛ مانند این بیت:

ولقد شجتنی طفلة برزت ضحیٰ  
كالشمس خشماء العظام بذی الغضا

ب. منفتح: عبارتی است که هنگام خواندن، لبها به هم نمی خورد. مانند این بیت:

ها انا ذاعاری الجلد  
اسهرنی الذی رقد

ج. منطبق: کلامی سامان یافته از کلماتی که دست کم یک حرف در آنها با لب تلفظ می شود. مثال:

آب همی و آب بی احبابی  
همهم ما بهم و همی مابی

۵

مناسب است به تعدادی از انبوه شاهکارهای ادبی که در این اثر ذکری از آن به میان آمده، اشاره کنیم:

الف. در صورتی که کلمات دو بیت زیر از اول خوانده شود، دعا و اگر از آخر بخوانند، نفرین می شود:

عدلوا فما ظلمت لهم دول  
سعدوا فلا زالت لهم نعم  
بدلوا فما شحت لهم شیم  
رفعوا فما زالت لهم قدم

بیت های فوق، از آخر، این گونه خوانده می شود:

نعم لهم زالت فلا سعدوا  
دول لهم ظلمت فما عدلوا  
قدم لهم زالت فما رفعوا  
شیم لهم شحت فما بدلوا<sup>۳</sup>

ب. در شعر زیر صناعت خیفاء (کلمه ای منقوط و کلمه ای غیر منقوط) به کار رفته است:

اسمح فبث السماح زین  
ولاتخب املاً تضیف  
ولاتجز ردّ ذی سؤال  
فتن ام فی السؤال حقف<sup>۴</sup>

ج. هیچ یک از حروف قطعه زیر به یکدیگر متصل نمی شود

(مگر این که حرفی آخر کلمه قرار گیرد):

زرت داود زورة لاراه  
ارای وده اراد ورودا  
اد داء ولا دواء وراه  
اذ زوی وده ورض وودا<sup>۵</sup>

د. در قصیده زیر صناعت تشریح به کار رفته است. بدین صورت که اگر قسمتی از بیت ها حذف گردد، با وزنی دیگر قابل خواندن است. آغاز:

یا خاطب الدنيا الدنیة انّها  
شرك الردی وقرارة الاكدار  
دار متی ما اضحكت فی یومها  
ابکت غذا تبا لها من دار<sup>۶</sup>

بیتات فوق بدین صورت نیز قابل خواندن است:

یا خاطب الدنيا الدنیة  
یه انها شرك الردی  
دار متی ما اضحكت  
فی یومها ابکت غذا

ه. تمام حروف قصیده زیر به یکدیگر متصل می شود:

سل متلفی عطفا عسی یتعطف  
فلقد قسا قلبا فما یتلطف  
ظبی تحکم بی فسלט حفنه  
سقما یحسمی بعضه لی متلف<sup>۷</sup>

و. در قصیده زیر، حروف بی نقطه حذف شده است:

فتنتنی فجنتنی تجنی  
بتجن یفتن غب تجنی  
شغفتنی بجفن ظبی غضیض  
غنح یقتضی تغیض جفنی<sup>۸</sup>

ز. در متن زیر، حروف نقطه دار حذف شده است:

الحمد لله الممدوح الاسماء، المحمود  
الآلاء، الواسع العطاء، المدعو لحسم  
اللاواء، مالک الامم، ومصور الرحم،  
واهل السماح والکرم، ومهلك عاد  
وارم.<sup>۹</sup>

۳. حدیقه ۱۵.

۴. حدیقه ۲۸.

۵. حدیقه ۲۶.

۶. حدیقه ۲۹.

۷. حدیقه ۲۶.

۸. حدیقه ۲۷.

۹. حدیقه ۲۷.

